Applied criminology research

https://www.qacr.ir

Article Type: Research

Volume 4, Issue 13, Autumn 2026, pp 1-22

The Role of Islamic Parenting Practices in Preventing Sexual Victimization of Children and Adolescents

Moslem Shojaei[1]

[Received: 2026/03/24 Accepted: 2026/08/08]

10.22034/aqcr.2026.2084450.1181

Abstract

The importance of paying attention to the prevention of social harms, especially harms that affect children and adolescents, has been an important part of countries' policymaking. Accordingly, numerous studies have emphasized the role of various factors in preventing child and adolescent victimization as a serious social harm. Accordingly, the purpose of this study is to investigate the prevention of child and adolescent sexual victimization by emphasizing parenting practices in Islam and the role of the family and school in this path. The method of this study is a quantitative survey type. The statistical population of the study was the parents of sexually victimized children and adolescents in Tehran, and 146 people were selected as a statistical sample using the sample size formula. The sample size was confirmed through the Helter index in the fit indices as an indicator of sample size adequacy. Data collection was in two parts: documentary and field, where field data was collected with a researcher-made questionnaire, and data analysis and interpretation were performed using Amos Graphics software. The face validity of the questionnaire was approved by the professors and its reliability was confirmed through Cronbach's alpha coefficient of more than 0.7. The findings of the documentary section have shown that most of the existing research in the field of preventing sexual victimization of children and adolescents emphasizes categories in the family, school, and parenting styles, and extensive theoretical literature supports these relationships. Also, the findings of the study, based on the perspective of Muslim scholars, conclude that in the perspective of Islam, the parenting skills that parents must master to become excellent parents include: knowledge of parenting, maintaining a relationship with God, communication with children, and communication with peers. For this reason, the research hypotheses were tested in this regard, and the statistical results showed that the parenting style in Islam has a significant effect on the prevention of child and adolescent victimization with a coefficient of 0.75 percent, the effect of the family with a coefficient of 0.51, and the school institution with a coefficient of 0.37 on the prevention of sexual victimization of children and adolescents. The P-Value in the model is less than 1 percent, indicating the significance of the coefficients with a confidence level of 99 percent. As a result, the results of this study can help parents build a happy family by understanding the basic skills of parenting from the perspective of Islam.

Keyword: Children and adolescents, sexual deviations, sexual victimization, prevention, Islamic parenting style.

Citation: Shojaei, M. (2026). The Role of Islamic Parenting Practices in Preventing Sexual Victimization of Children and Adolescents. *Applied criminology research*, 4(13), 1-22. https://www.qacr.ir/article_742830.html?lang=en

1. Assistant Professor, Islamic Studies Education Department, Farhangian University, Tehran, Iran. Email: moslem.shojaei@cfu.ac.ir

CC BY

پژوهش‌های جرم‌شناسی کاربردی
https://www.qacr.ir
سال چهارم، شماره سیزدهم، پاییز ۱۴۰۵، صص ۱-۲۲
نوع مقاله: پژوهشی

نقش شیوه‌های فرزندپروری اسلامی در پیشگیری از بزه‌دیدگی جنسی کودکان و نوجوانان

مسلم شجاعی[۱]

[تاریخ دریافت: ۱۴۰۵/۰۱/۰۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۵/۱۷]
10.22034/aqcr.2026.2084450.1181

چکیده

اهمیت توجه به پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی به‌ویژه آسیب‌هایی که متوجه کودکان و نوجوانان هستند، بخش مهم سیاست‌گذاری کشورها را به خود اختصاص داده است. بر همین اساس پژوهش‌های متعددی بر نقش عوامل مختلف در پیشگیری از بزه‌دیدگی کودکان و نوجوانان به‌عنوان یک آسیب جدی اجتماعی تاکید داشته‌اند. در همین راستا هدف این پژوهش پیشگیری از بزه‌دیدگی جنسی کودکان و نوجوانان با تاکید بر شیوه‌های فرزندپروری در اسلام و نقش خانواده و مدرسه در این مسیر بررسی شده است. روش این پژوهش کمی از نوع پیمایشی است. جامعه آماری پژوهش والدین کودکان و نوجوانان بزه‌دیده جنسی شهر تهران بوده که با استفاده از فرمول حجم نمونه تعداد ۱۴۶ نفر به‌عنوان نمونه آماری انتخاب شده‌اند. تایید حجم نمونه از طریق شاخص هلتر در شاخص‌های برازش به‌عنوان شاخص کفایت حجم نمونه به تایید رسیده است. گردآوری داده‌ها در دو بخش اسناد و میدانی بوده که داده‌های میدانی با پرسشنامه محقق‌ساخته جمع‌آوری شده و تجزیه و تحلیل داده‌ها به کمک نرم‌افزار Amos Graphics انجام شده است. روایی صوری پرسشنامه مورد تایید اساتید و پایایی آن از طریق ضریب آلفای کرونباخ بیش از ۰/۷ مورد تایید قرار گرفت. یافته‌های بخش اسنادی نشان داده است که بیشتر پژوهش‌های موجود در حوزه پیشگیری از بزه‌دیدگی جنسی کودکان و نوجوانان بر مقولاتی در خانواده، مدرسه و سبک‌های فرزندپروری تاکید دارند و ادبیات نظری گسترده‌ای از این روابط پشتیبانی می‌کنند. همچنین یافته‌های پژوهش بر اساس دیدگاه دانشمندان مسلمان به این نتیجه می‌رسد که در دیدگاه اسلام، مهارت‌های فرزندپروری که والدین برای تبدیل شدن به والدینی عالی باید بر آن مسلط شوند عبارتند از: دانش فرزندپروری، حفظ رابطه با خدا، ارتباط با فرزندان و ارتباط با همنوعان است. به همین دلیل فرضیات پژوهش هم در همین راستا آزمون شده و نتایج آماری نشان داده که سبک فرزندپروری در اسلام بر روی بر پیشگیری از بزه‌دیدگی کودکان و نوجوانان با ضریب ۰/۷۵ درصد و اثر خانواده با ضریب ۰/۵۱ و نهاد مدرسه با ضریب ۰/۳۷ بر پیشگیری از بزه‌دیدگی جنسی کودکان و نوجوانان تاثیر معناداری دارند. مقدار P-Value در مدل کمتر از ۱ درصد شده و نشان از معناداری ضرایب با اطمینان ۹۹ درصد است. در نتیجه پیامدهای این پژوهش می‌تواند به والدین کمک کند تا با شناخت مهارت‌های اساسی فرزندپروری از دیدگاه اسلام، خانواده‌ای سعادتمند بسازند.

کلیدواژه‌ها: کودکان و نوجوانان، انحرافات جنسی، بزه‌دیدگی جنسی، پیشگیری، سبک فرزندپروری اسلام.

استناددهی: شجاعی، مسلم. (۱۴۰۵). نقش شیوه‌های فرزندپروری اسلامی در پیشگیری از بزه‌دیدگی جنسی کودکان و نوجوانان. *پژوهش‌های جرم‌شناسی کاربردی*، ۴(۱۳)، ۱-۲۲.

https://www.qacr.ir/article_742830.html

۱. استادیار گروه آموزش معارف اسلامی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران. رایانامه: moslem.shojaei@cfu.ac.ir

CC BY

مقدمه

بزه‌دیدگی جنسی کودکان و نوجوانان یکی از مهم‌ترین آسیب‌های اجتماعی است که پیامدهای جبران‌ناپذیری بر سلامت جسمی، روانی و اجتماعی آنان دارد. در این میان، پیشگیری از این پدیده نیازمند اتخاذ رویکردهای علمی و عملی مؤثر است. یکی از مؤثرترین راهکارها، توجه به شیوه‌های فرزندپروری اسلامی در بستر خانواده و مدرسه به‌عنوان متولیان اصلی پیشگیری رشدمدار است؛ به‌عبارت دیگر خانواده مهم‌ترین نهاد در رشد و تربیت کودکان و نوجوانان است که در پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی نقش بسزایی دارد و مدرسه به‌عنوان دومین نهاد مهم اجتماعی‌ساز کودکان و نوجوانان، می‌تواند نقش مهمی در پیشگیری از بزه‌دیدگی جنسی ایفا کند.

از همین‌رو، در دین اسلام توجه و تمرکز بر کودکان و شیوه‌های تربیتی آنها یکی از اصول مهم و اساسی است. در آیات و روایات متعددی به والدین در مورد مسئولیت آنها به کودکان توصیه شده و همواره حفظ کودکان در مقابل خطرات و آسیب‌های اجتماعی مورد تاکید آموزه‌های دینی قرار گرفته است؛ چرا که کودکان و نوجوانان در معرض خطر به‌واسطه قرار گرفتن در شرایط مخاطره‌آمیز، هم مستعد ارتکاب بزه قرار می‌گیرند و هم این شرایط تسهیل‌کننده بزه‌دیدگی آنان می‌شود (عبدالهی، ۱٤۰۰، ص ۵۹). از همین‌رو، جرایم جنسی علیه کودکان و نوجوانان یکی از آسیب‌های اجتماعی است که به علت ویژگی‌های تأثیرگذار آن، نیازمند بررسی و برنامه‌ریزی مناسب به منظور پیشگیری و کمک به رفع یا کاهش است. پاسخ به این نیاز به‌عنوان یکی از ضروریات رشد و پرورش نسلی سالم و شاداب و به تبع آن جامعه‌ای توانمند و توسعه یافته است (صبوری‌پور و حق‌بین، ۱٤۰۲، ص ۵۳۳). کودکان و نوجوانان که پیش از این به‌عنوان یکی از مهمترین و در عین حال آسیب‌پذیرترین اقشار جامعه همواره به نحو جدی در معرض انواع بزه‌دیدگی و صدمات جبران‌ناپذیر جسمی، روانی، اجتماعی و... قرار داشته‌اند. به همین دلیل توجه به مقولاتی که می‌تواند آنها را از آسیب‌های احتمالی حفاظت کند، یکی از دغدغه‌های اصلی محققان این حوزه بوده است. متناسب با وضعیت و شرایط کودکان در مورد حفظ آنها از انحراف و بزه‌دیدگی، توجه به مساله تربیت و فرزندپروری بسیار مهم است. در یک خانواده سالم و مهارت‌های فرزندپروری به جدیت دنبال می‌شود و این مهارت‌ها به‌عنوان توانایی، کارآمدی و زیرکی والدین در انجام کاری مربوط به فرزندانشان درک می‌شود (Sanders, Morawska, Haslam, Filus & Fletcher, 2014, p. 256). فرزندپروری خوب، فرآیندی است که طی آن والدین نیازهای کودک را بر اساس استانداردهای فرهنگی که از نسلی به نسل دیگر تغییر می‌کند، برآورده می‌کنند (Lanjekar, Joshi, Lanjekar & Wagh, 2021, p. 2). نظریه‌ها و رویکردهای مختلفی در مورد

شیوه‌های فرزندپروری وجود دارد که با توجه به بسترهای متفاوت فرهنگی جوامع نمی‌توان این رویکردها را به‌عنوان یک رویکرد عام برای همه جوامع در نظر گرفت. در جامعه اسلامی ایران نیز شیوه‌های فرزندپروری باید بر مبنای تفکرات اسلامی جامعه باشد. شیوه‌های فرزندپروری یکی از روش‌های مهم مراقبت از کودکان در بیشتر جوامع است. در اسلام نیز فرزندپروری در چارچوب فرزندپروری اسلامی و بر پایه آموزه‌های قرآنی است. فرزندپروری اسلامی با دو روش آموزه‌های قرآنی و اتکا بر احادیث انجام می‌گیرد. در برخی کشورهای اسلامی توسعه‌یافته مانند مالزی و اندونزی ترکیب سبک فرزندپروری اسلامی با سبک فرزندپروری غربی منجر به سبکی هوشمند از فرزندپروری شده است که کارایی بالاتری دارد (Madyawati, Nurjannah & Mustafa, 2023, p. 192). وقتی صحبت از فرزندپروری می‌شود، تنوع زیادی در بین خانواده‌ها وجود دارد. به‌طور کلی پس زمینه‌های فرهنگی تأثیر عمده‌ای بر نحوه رفتار خانواده و نحوه تربیت فرزندان دارد (Sanvictores & Mendez, 2022, p. 1). بر همین اساس اصول اساسی فرزندپروری در سنت اسلامی تمرکز بر حقوق و مسئولیت‌های فرزندان و والدین، روش‌های تأدیب و تنبیه تمرکز دارد؛ بنابراین شیوه فرزندپروری در اسلام به شیوه مقتدرانه در فرهنگ غرب نزدیک است (Akin, 2012, p. 1). به‌طور کلی در اسلام مهارت فرزندپروری ابزاری برای نیل به سعادت مسلمان است. بر همین اساس تلاش زیادی برای انجام فعالیت‌های فرزندپروری مورد توجه است. بی‌توجهی به فرزندپروری در جامعه منجر به شکست والدین در مدیریت مؤثر خانواده در جهت رفاه خانواده می‌شود. علاوه بر این ممکن است کودکان دچار رنجش و گرفتاری در آسیب‌ها و انحرافات اجتماعی شوند. استفاده از مدل‌های فرزندپروری غربی برای جوامع مسلمان به‌دلیل تفاوت‌های فرهنگی جوامع مسلمان با جوامع غربی چندان کاربرد و کارآیی ندارد، به همین دلیل استفاده از مدل‌های اسلامی در جوامع مسلمان، برای ایجاد خانواده‌ای سالم و به دور از هر گونه انحراف و آسیب لازم و ضروری است. مهارت‌های فرزندپروری بر اساس دیدگاه اسلام موضوعی است که برای غلبه بر مسائل بزه‌دیدگی کودکان و حتی کودک‌آزاری نیاز به تمرکز دارد. بر همین اساس این سوال مطرح می‌شود که آیا متون اسلامی می‌توانند به محافظت از کودکان و نوجوانان و جلوگیری از سوءاستفاده جنسی از آنها کمک کند؟ علاوه بر این نباید نقش مهارت‌های فرزندپروری از نگاه اسلام را نادیده گرفت. در همین ارتباط والدین می‌توانند مساله بزه‌دیدگی را از طریق روش‌ها و مهارت‌های صحیح فرزندپروری آن گونه که اسلام خواسته است، کنترل کنند. در بسیاری از موارد پدیده بزه‌دیدگی کودکان با شیوه‌های فرزند پروری والدین ارتباط دارد و والدینی که شیوه‌های فرزندپروری سهل‌گیرانه‌ای دارند، با احتمال بالایی فرزندان آنها قربانی بزه‌دیدگی می‌شوند (Georgiou, 2008, p. 213). بر همین اساس

این پژوهش درصدد است تا روندهای پیشگیری از بزه‌دیدگی جنسی کودکان و نوجوانان با تاکید بر شیوه‌های فرزندپروری در اسلام بررسی و تحلیل شود.

ادبیات نظری

شیوه‌های فرزندپروری اسلامی، با تأکید بر اخلاق، تربیت دینی و ایجاد ارتباط عاطفی قوی بین والدین و فرزندان، نقش مؤثری در پیشگیری از بزه‌دیدگی جنسی کودکان و نوجوانان دارند. در این میان، خانواده و مدرسه به‌عنوان دو نهاد اصلی در فرآیند پیشگیری رشدمدار، می‌توانند از طریق آموزش، نظارت و حمایت از کودکان و نوجوانان، آنان را در برابر خطرات اجتماعی محافظت کنند. هماهنگی و تعامل مستمر میان این دو نهاد، همراه با بهره‌گیری از تعالیم اسلامی، می‌تواند به کاهش میزان بزه‌دیدگی جنسی در جامعه منجر شود.

قرآن کریم به‌عنوان یکی از منابع اصلی احکام، در سطح پیشگیری اجتماعی از جرایم جنسی، تدابیر عامی مانند اعطای بینش، تقویت ایمان، تقوامحوری، خداناظری، آموزش، بازشناسی نقش خانواده و رفع نیاز اقتصادی، و تدابیر خاصی همچون: تشریع، تشویق و تسهیل ازدواج، حیا، کنترل نگاه، پرهیز از اختلاط، اصلاح روابط اعضای خانواده در درون خانه، اصلاح روابط زن و مرد و بزه‌پوشی، اندیشیده است. این تدابیر می‌کوشند از سویی، آستانه مقاومت فرد را در برابر کشش‌های غریزه جنسی افزایش دهند. از سوی دیگر، عوامل فردی و اجتماعی و نیز درونی و بیرونی جرایم جنسی را خنثی نمایند (محمدی جورکویه، ۱۳۹٤، ص ۱۱۹). در منابع مختلف چهار سبک فرزندپروری مستبدانه، سهل‌گیرانه، مسامحه‌کارانه و مقتدرانه مطرح شده است. بر مبنای آموزه‌های اسلامی، پدر و مادر وظیفه اصلی فرزندپروری را بر عهده دارند (کوخایی و رودمقدس، ۱۳۹۵، ص ۱۲۹). بهره‌گیری از سبک تربیتی نادرست، عامل ایجاد کننده تغییرات نابهنجار، شکل‌گیری غیراصولی شخصیت فرزند، شکوفا نشدن و یا شکوفایی استعداد وی در جهت منفی و مختل شدن فرآیند اجتماعی او می‌گردند. از این‌رو سبک فرزندپروری مسئولانه دینی مبتنی بر آیات و روایات بهترین روش فرزندپروری است (کریمی، ۱۳۹۵، ص ۱). از این رو، با توسل به این نوع سبک فرزندپروری بتوان زمینه کنترل، کاهش و به تبع آن پیشگیری از بزه‌دیدگی جنسی کودکان را فراهم ساخت. از طرف دیگر اقدامی که در آموزه‌های قرآنی مورد توجه و تأکید واقع شده، شناسایی، حفاظت و حمایت مادی و معنوی از کودکان آسیب‌پذیر به‌عنوان آماجی مناسب برای بزهکاران می‌باشد (چاووشی و کرامتی، ۱۳۹۷، ص ۱٤٥). سبک فرزندپروری مقتدرانه نزدیک‌ترین روش به روش تربیتی مسئولانه در اسلام و سبک‌های فرزندپروری آسان‌گیرانه و غفلت از کودک به عنوان سبک‌های ناسالم از نظر اسلام مطرح شده است و سبک فرزندپروری مسئولانه مبتنی بر

آیات و روایات بهترین روش فرزندپروری است (پرچم، فاتحی‌زاده و الهیاری، ۱۳۹۱، ص ۱۱۵).

همچنین روش‌های تربیتی اسلامی می‌تواند ابزار مؤثری برای والدین در شکل‌دهی منش اسلامی فرزندان و تقویت درک دینی آنان باشد. با این حال، تلاش‌های بیشتری برای توسعه و اشاعه این روش ها در جامعه مورد نیاز است (Masrufa, Kholishoh & Madkan, 2023, p. 13). الگوهای فرزندپروری نیز بر اساس نژاد و قومیت متفاوت هستند و تغییرات ناشی از مهاجرت همراه با ایدئولوژی‌های مختلف فرهنگی، قومی و دینی بر سبک‌های فرزندپروری تاثیر می‌گذارند (Sanvictores & Mendez, 2022, p. 1). علمای اسلامی مهارت‌های فرزندپروری را از نظر اسلام مورد بحث قرار داده و دیدگاه‌های مختلفی ارائه کرده‌اند، به عقیده دانشمندان مسلمان مهارت‌های فرزندپروری باید جنبه‌های آموزش عقیده و ایمان، عبادت، اخلاق و روابط اجتماعی را در برگیرد. در بین معروف‌ترین اندیشمندان مسلمان، ابن خلدون بر اهمیت وظیفه والدین در ارائه اندیشه‌های دینی، ارزش‌های اخلاقی و تعلیمات اجتماعی و هنجارهای دینی تأکید کرده است (Manap & Baba, 2016, p. 114). به‌طور خلاصه، رویکردهای نظری موجود نشان می‌دهند که فرزندپروری اسلامی مبانی فلسفی و اخلاقی قوی برای جلوگیری از قربانی شدن جنسی دارد. این رویکردهای دینی از طریق محافظت از کودکان و نوجوانان، آموزه‌های حیا، آگاهی از مرزها و کرامت کودک آنها را در مقابل خطرات احتمالی توانمند می‌کند؛ بنابراین وقتی این اصول به شیوه‌های ملموس به الگوسازی رفتاری تبدیل شود، می‌توانند خطرات را به میزان قابل توجهی کاهش دهند. همچنین محققان مسلمان نیز در راستای سبک‌های فرزندپروری به مولفه‌های مختلفی اشاره کرده‌اند که در بین مجموعه‌ای از عوامل به مولفه‌هایی مانند رابطه با همنوعان، رابطه با خداوند، رابطه با کودک و دانش فرزندپروری مهم هستند.

فرزندپروری را از نظر اسلام

از دیدگاه اسلامی، فرزندپروری یک امانت مقدس (امانت) و نوعی عبادت است که در آن والدین مسئول پرورش سلامت جسمی، عاطفی، فکری و معنوی فرزندان خود مطابق با آموزه‌های قرآن و سنت هستند. این شامل فراهم کردن عشق، امنیت و رزق حلال، آموزش ایمان، اخلاق و مسئولیت اجتماعی و هدایت فرزندان به‌سوی تبدیل شدن به بندگان صالح خدا و اعضای سازنده جامعه می‌شود. قرآن بارها به مراقبت، آموزش و مهربانی با کودکان دستور می‌دهد و به صراحت مسئولیت‌های والدین را بیان می‌کند. برای مثال سوره لقمان در آیات ۱۳ تا ۲۲ مستقیم به مساله فرزندپروری و تربیت فرزندان توسط والدین می‌پردازد (سوره لقمان،

آیه ۱۳). این آیات معمولاً در فقه معاصر و راهنمایی‌های آموزشی به‌عنوان مبانی تربیت والدین ذکر می‌شوند. فرزندپروری در اسلام محدود به برآورده کردن نیازهای مادی نیست؛ بلکه بر الگوسازی رفتار خوب، القای تقوا (خداشناسی) و ایجاد محیطی متعادل که در آن نظم و انضباط با رحمت همراه باشد، تأکید دارد و منعکس‌کننده الگوی حضرت محمد (ص) از شفقت و خرد در تربیت نسل بعدی است.

۱. روابط با همنوعان

در نظریات روانشناختی تعامل با همنوعان متاثر از سبک‌های فرزندپروری والدین بوده و در سبک‌های فرزندپروری مستبدانه این روابط بسیار کنترل شده است و نظارت والدین بر روابط فرزندان گسترده است (Brown & Bakken, 2011, p. 154). ارتباط و تعامل در اجتماع با همنوعان از مهمترین ابعاد زندگی انسانی در جامعه اسلامی است، به گونه‌ای که در دین اسلام روابط با همنوعان را مهمترین ابزار هدایت برشمرده‌اند. از این روی، روابط با همنوعان امری ضروری است که نداشتن این مهارت‌ها خسارت‌های سنگینی بر سلامت جسمی و روحی افراد خواهد داشت، لذا این امر در آموزه‌های قرآنی و روایی، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است (کوهستانی، رضوی‌دوست، موسوی و زارعی، ۱۴۰۱، ص ۹). علاوه بر این در آموزه‌های دینی اسلام تاکید ویژه‌ای بر داشتن روابط کودکان مسلمان با همدیگر به منظور آموختن آموزه‌های دینی شده است. هر چند آموزه‌های اسلامی بر اهمیت تعامل کودکان و نوجوانان با یکدیگر تأکید دارند، اما تأکید اصلی بر «روابط اجتماعی» به‌عنوان یک هدف فی‌نفسه نیست، بلکه این تعاملات به‌عنوان راهی برای پرورش رشد اخلاقی، اجتماعی و مذهبی تدوین شده‌اند. اصل اساسی این است که کودکان در محیط‌هایی که می‌توانند رفتارهای فضیلت‌مندانه، از جمله آموزه‌های دینی را در یک زمینه اجتماعی مشاهده، تقلید و تمرین کنند، بهترین یادگیری را دارند. آموزه‌های اسلام اذعان دارد که کودکان با تقلید و تعامل اجتماعی یاد می‌گیرند. پیامبر اسلام در حدیث ۲۶۵۸ صحیح مسلم نقل می‌کنند: «هر کودکی بر اساس فطرت (طبیعی) متولد می‌شود و والدینش هستند که او را یهودی، مسیحی یا مجوسی می‌کنند» (Isa, 2022, p. 31). همچنین تعامل کودکان با همراهان پرهیزگار و خوش‌رفتار می‌تواند ارزش‌ها، آداب و رسوم مذهبی را تقویت کند.

۲. رابطه با خداوند و فرزندپروری

تأکید قرآنی و نبوی بر نقش والدین در تربیت کودکان و نوجوانان، نظارت و مراقبت ایمن را به‌عنوان انجام وظیفه مذهبی در خانواده به همراه دارد. بر همین اساس فرزندپروری در خانواده و جامعه بر پایه تربیت اسلامی برای فرزندان در شکل‌گیری شخصیت یا منش نیک و با

آموزش توحید و اخلاق و عبادت در خانواده و جامعه رابطه دارد. در آموزه‌های دینی تربیت بر اساس میزان رابطه فرد با خداوند تعریف می‌شود و شیوه‌های فرزندپروی که در آن خانواده‌ها فرزندان را با خداوند مرتبط می‌کنند (Mansir, 2022, p. 260). همچنین فرزندپروری دینی و تربیت اسلامی وسیله‌ای مؤثر برای والدین است تا مفاهیم اساسی مانند ایمان به خداوند سبحان و تعالی، ایمان به رسول خدا و داشتن اخلاق نیکو را آموزش دهند (Masrufa, Kholishoh & Madkan, 2023, p. 13). بر اساس اصل و «قاعده لاضرر» در شریعت اسلامی نیز فقها این قاعده را یک اصل کلی حقوقی می‌دانند که پیشگیری از آسیب به خردسالان را الزامی می‌کند. در این دیدگاه احادیث صریحی وجود دارد که خلوت (انزوا) دختر و پسر نامحرم را ممنوع می‌کند و رابطه با خدا را مقدم بر هر رابطه‌ای می‌داند. این قانون از نظر تاریخی برای محدود کردن تماس بدون نظارت که باعث ایجاد خطر می‌شود، استفاده می‌شود. این متون توسط علما برای توجیه نظارت خداوند بر اعمال فرد، محدودیت در تعاملات خصوصی بزرگسالان و کودکان و حفاظات نهادی مورد استناد قرار می‌گیرند (Abdullah, Ishak & Wahid, 2025, p. 52). در چنین وضعیتی ارتباط با خداوند می‌تواند فرایندهای فرزندپروری را با اطمینان بالایی به نتایج مطلوب برساند.

۳. دانش فرزندپروری

آموزش دانش اسلامی یکی از الگوهای جدید برای توسعه فرزندپروری اسلامی است. بر همین اساس خانواده‌ها باید فضایی مملو از شفقت، محبت و ارزش‌های اسلامی ایجاد کنند که در کنار رشد جسمی و فکری کودکان، رشد معنوی آنها را پرورش دهند (Mahfud, Rohani, Nuryana, Baihaqi & Munawir, 2023, p. 115). اجرای تربیت اسلامی یا فرزندپروری اسلامی مهم‌ترین وظیفه خانواده‌ها در جوامع اسلامی است. بر اساس شریعت اسلامی خانواده‌ها باید در تربیت فرزندان بر اساس مبانی دینی خود بکوشند تا شخصیت کودکی و درک دینی آنها را افزایش دهند. همچنین والدین یا سرپرستان موظف‌اند به فرزندان خود درکی از آموزه‌های دینی، اخلاق، ارزش‌ها و مصادیق اسلامی بدهند که این درک بخشی از دانش مورد نیاز برای تحقق فرزندپروری اسلامی است. والدین مسلمان می‌توانند برای فرزندان خود داستان‌های اسلامی بخوانند، ارزش‌های دینی را آموزش دهند و در زندگی روزمره دانش مثبتی از دین برای آنها ارائه دهند (Masrufa, Kholishoh & Madkan, 2023, p. 13). همچنین متون فقهی و اصلاحات مدرن قانون خانواده، نیز در چارچوب ولایت والدین بر کودکان بر «محافظت از کودک در برابر خطرات» تأکید دارند و این شیوه از تربیت به والدین و سرپرستان قانونی این قدرت را می‌دهد تا برای جلوگیری از سوءاستفاده از

کودکان اقدام کنند (Rohmah, Suyaman & Mulyanti, 2023, p. 49). بر همین اساس دانش فرزندپروری یکی از ابعاد مهم فرزندپروری در دیدگاه اسلامی است.

٤. رابطه والدین با کودکان

جلوگیری از قربانی شدن جنسی کودکان کاملاً در چارچوب اهداف حفظ اصالت، کرامت، سلامت و عقل است. حقوقدانان و نهادهای سیاست‌گذاری اسلامی به‌طور فزاینده‌ای از استدلال‌های مقاصدی برای تطبیق احکام کلاسیک با تعهدات مدرن حمایت از کودک استفاده می‌کنند (Auda, 2008, p. 56). در همین راستا الگوهای فرزندپروری متأثر از تغییرات ساخت خانواده نیز هستند و سبک فرزندپروری خانواده‌های تک‌والدی و خانواده‌های دو والد متفاوت هستند. اگرچه کودکان می‌توانند در انواع محیط‌های خانوادگی رشد کنند، اما داده‌ها نشان می‌دهد که به‌طور متوسط، کودکانی که در خانواده‌های دو والدی زندگی می‌کنند، نسبت به همتایان خود بهتر زندگی می‌کنند (Sanvictores & Mendez, 2022, p. 1). به‌طور کلی سبک‌های فرزندپروری عوامل زمینه‌ای حیاتی خانواده هستند که ارتباط نزدیکی با روابط والدین و کودکان دارند. علی‌رغم تعداد زیادی از مطالعات در مورد ارتباط بین سبک‌های فرزندپروری و روابط والدین با کودک، تحقیقات موجود عمدتاً بر تأثیرات مستقیم سبک‌های فرزندپروری بر روابط والدین با کودکان متمرکز شده است (Shek, 2002, p. 189).

جنبه معنوی رابطه با کودک: در فرایند فرزندپروری والدین باید به عنصر معنوی توجه کنند تا رفتار مثبت فرزند خود را پرورش دهند؛ زیرا رفتار خوب یا بد هر انسانی ناشی از وضعیت روحی در اوست. مهارت‌های فرزندپروری که می‌تواند معنویت کودک را رشد دهد بر سه رویکرد اصلی: عقیده، عبادت و اخلاق در اسلام متمرکز است. بخشی از فرزندپروری در اسلام از طریق آموزه‌های دینی لقمان حکیم به فرزندش بیان شده است. همان‌طور که در قرآن توضیح داده شده است، لقمان علاوه بر موعظه و راهنمایی مستمر فرزندانش را نیز بر پایه سه رویکرد اصلی؛ عقیده، عبادت و اخلاق تربیت می‌کرد (Hamjah, Zur Raffar, Rahman & Rasit, 2020, p. 314). همچنین تربیت عبادت تأثیر بسیار خوبی بر روح کودک خواهد داشت تا همیشه با خدا مرتبط باشد. تربیت عبادت بر قدردانی از ارکان اسلام، تأکید دارد. قرآن بر رحمت، محافظت و ارزش نهادن به کودکان به‌عنوان نعمت تأکید می‌کند و آموزه‌های پیامبر (ص) به‌صراحت بیان می‌کند که عشق، احترام و مهربانی با کودکان از ارکان ایمان است؛ بنابراین در اسلام، تقویت رابطه معنوی با کودک از طریق آموزش‌های اولیه دینی و راهنمایی‌های اخلاقی، نقش مهمی در پیشگیری از انحرافات و کج‌روی‌ها ایفا می‌کند. آموزه‌های اسلامی تأکید می‌کنند که کودکان با پاکی ذاتی متولد می‌شوند و این مسئولیت

والدین و مربیان است که با القای ارزش‌های اطاعت، احترام و آگاهی اخلاقی، این پاکی را پرورش دهند (Jafari, 2023, p. 79). مطالعات نشان داده است که وقتی کودکان برای درک عواقب اعمال خود آموزش می‌بینند و به آنها آموزش داده می‌شود که از رفتارهایی که گناه تلقی می‌شوند، اجتناب کنند، احتمال کمتری دارد که درگیر فعالیت‌های مجرمانه شوند. علاوه بر این، تربیت اخلاقی بر آداب اسلامی مانند صداقت، وفای به عهد، شجاعت، احترام به بزرگان، کمک به نیازمندان، دلسوز به ضعیفان، صبور، شکرگزار، متواضع و توکل به خدا تأکید دارد. همچنین به کودکان آموزش داده می‌شود که از رفتارهای ناپسند مانند نزاع، خیانت، حسادت و غرور و تکبر دوری کنند. درنهایت والدین باید فرزندان خود را موعظه کنند و با دعوت به کارهای خیر و پیشگیری از منکر، آنها را راهنمایی کنند (Zur Raffar, Hamjah, Hasan, & Dahlan, 2021, p. 558).

جنبه احساسی رابطه با کودک: مهارت‌های فرزندپروری با استفاده از عواطف و احساسات در فرآیند تربیت و رشد نوجوانان بسیار مهم است. عاطفه حالتی از احساسات است که عنصر مهمی برای تداوم زندگی است و به‌موجب آن منبع لذت و غم است که می‌تواند بر رشد اخلاقیات کودکان تأثیر بگذارد (Rumaya & Rozumah, 2004, p. 5). همچنین احادیث متعددی به رحمت نسبت به کودکان دستور می‌دهند. در همین ارتباط کنزالعمال در حدیث ۵۹۷۰ از پیامبر اکرم (ص) نقل می‌کند: «هر که به کودکان ما مهربانی نکند و حق بزرگان ما را نشناسد، از ما نیست» (نصیری، ۱۳۸۵، ص ۱۶۱)؛ بنابراین برای برانگیختن احساسات مثبت و متعادل در نوجوانان، لازم است عناصر شکل‌گیری آن در انسان، یعنی از طریق عنصر قلب مورد بررسی قرار گیرد. بنابراین، عواطف و احساسات کودکان باید توسط والدینشان با استفاده از مهارت‌های روان‌شناختی هدایت شوند تا آن‌ها را به‌گونه‌ای با ذهن بالا و خوش قلب رشد دهند تا هوش هیجانی و مهارت‌های مدیریت زمان را توسعه دهند (Manap & Baba, 2016, p. 116).

جنبه فیزیکی رابطه با کودک: یکی از مهارت‌های والدینی مورد نیاز برای کودکان تمرکز بر جنبه فیزیکی است تا آنها در مورد عملکردهای بدنی که نیاز به محافظت دارند، بدانند، علاوه بر اولویت دادن به ایمنی، بهداشت، سلامت و تناسب اندام، خودانگاره مثبت و مهارت‌ها در تلاش برای بهبود اعتمادبه‌نفس و خودکارآمدی ضرورت دارد. مهارت‌های فرزندپروری از بعد جسمانی، مهارت‌های رشد فیزیک کودکان و تربیت جنسی را در برمی‌گیرد. مهارت‌های والدین برای توسعه رشد جسمانی کودکان نیاز به اولویت‌بندی بهداشت، غذا و نوشیدنی مغذی، لباس مناسب، محل اقامت کافی، سلامت و تناسب‌اندام، تصور مثبت از خود و توانمندی دارد. همچنین مهارت‌های فرزندپروری برای جنبه رشد جسمانی نیاز به تأکید بر

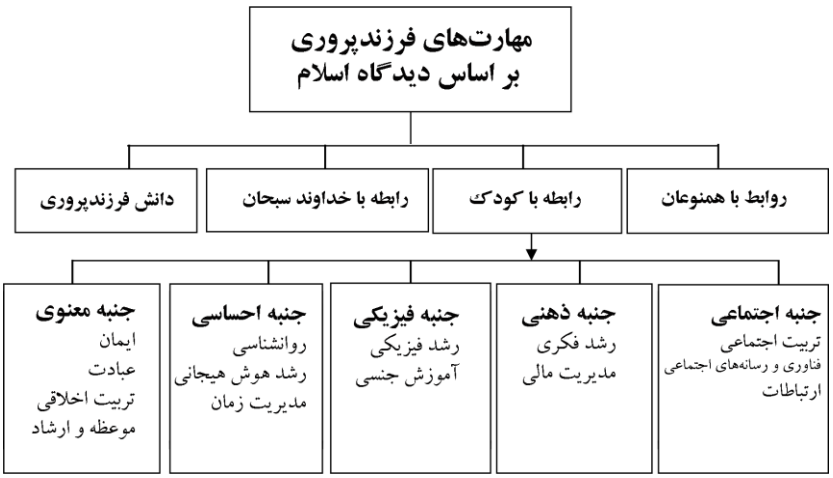
تربیت جنسی مطابق با دیدگاه اسلام دارد. در این راستا اطلاعات، درک و آموزش مسائل مربوط به آناتومی جنسیت زن و مرد که منجر به تفاوت در ساختار بدنی و عملکردهای بدنی می‌شود، به شناخت نیاز دارد (Zur Raffar, Hamjah, Hasan, & Dahlan, 2021, p. 562).

جنبه ذهنی رابطه با کودک: مهارت‌های والدینی که در جنبه ذهنی نوجوانان به‌کار می‌رود، برای تشکیل پایه‌ای برای رشد ذهنی نوجوانان به سمت تحریک هوش مهم است. رشد متوازن ذهن، نوجوانان را قادر می‌سازد تا پتانسیل خودکارآمدی خود را از قبیل تفکر فعالانه، استدلال، تجزیه‌وتحلیل و گسترش دامنه دیدگاه‌ها بهینه کنند. این امر عمدتاً از طریق دانش به‌عنوان زمینه اصلی در فرآیند رشد ذهن درجه یک به‌دست می‌آید. از این‌رو، تلاش برای رشد ذهن یک نوجوان مستلزم راهنمایی کافی است تا پتانسیل موجود آن صیقل داده و بهبود یابد. والدین به‌عنوان نزدیک‌ترین افراد به نوجوان خود باید به راهنمایی و دانش مناسب مجهز شوند تا نوجوان آنها بتواند از حمایت و آموزش بهینه والدین برخوردار شود؛ بنابراین، مهارت‌های فرزندپروری برای رشد ذهن کودکان را می‌توان به مهارت‌های رشد فکری و مهارت‌های مدیریت مالی تقسیم کرد (Manap & Baba, 2016, p. 116).

جنبه اجتماعی رابطه با کودک: یکی دیگر از مهارت‌های فرزندپروری که نیاز به تأکید در رشد کودک دارد، تمرکز بر جنبه اجتماعی است. عوامل اجتماعی–فرهنگی به‌طور قابل توجهی بر زندگی انسان تأثیر می‌گذارد، زیرا انسان نمی‌تواند به‌تنهایی و بدون ارتباط با همنوعان خود زندگی کند. از این‌رو، رشد اجتماعی نیاز به تأکید بر نحوه صحیح تعامل و همچنین ارتباط با خانواده و افراد اطراف خود مانند دوستان، همسایگان، سایر مسلمانان جامعه و غیرمسلمانان به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم از طریق رسانه‌های مکتوب یا رسانه‌های الکترونیکی دارد؛ بنابراین هدف از تربیت اجتماعی کودکان، پرورش اصول احترام به حقوق دیگران و نشان دادن رفتاری محترمانه و قابل ملاحظه برای سایر افراد در معاشرت عمومی با جامعه، با تأکید بر نزاکت صحیح در تعاملات مدنی و روابط با دیگران است. علاوه بر این، یکی از مهارت‌های قابل توجه فرزندپروری در این عصر مدرن، مهارت و دانش فناوری اطلاعات و رسانه‌های اجتماعی است (Zur Raffar, Hamjah, Hasan, & Dahlan, 2021, p. 562).

بنابراین این امر به توسعه الگوهای فکری آنها کمک می‌کند تا نسبت به مشکلات واکنش نشان دهند، بتوانند مشکلات را به‌تنهایی یا به‌صورت گروهی حل کنند و بتوانند خود را با محیط جدید وفق دهند. بر این اساس در مهارت تربیت اجتماعی، والدین باید روش دوست‌یابی فرزندان خود را شناسایی کنند تا آنها دوستانی را انتخاب کنند که خوب، قابل

اعتماد و بصیر باشند. بر پایه ادبیات نظری موجود در پژوهش‌های بررسی شده و اسناد نظری موجود می‌توان مهارت‌های فرزندپروری در اسلام را به شکل زیر ترسیم شده است.



شکل ۱- مهارت‌های فرزندپروری در اسلام

بنابر آنچه در ادبیات نظری اشاره شد، پیشگیری از بزه‌دیدگی جنسی متأثر از سه مرجع اصلی، خانواده، مدرسه و شیوه فرزندپروری اسلامی است. در این حوزه رویکردهای موجود در این سه حالت نشان دادند، پیشگیری از بزه‌دیدگی ممکن است و بنابراین این سه مرجع می‌توانند برای پشتوانه نظری فرضیاتی باشند که نقش خانواده، مدرسه و سبک فرزندپروری اسلامی را در پیشگیری از بزه‌دیدگی آزمون می‌کنند.

پیشینه پژوهش

پناهی (۱۴۰۳)، در پژوهشی با عنوان «تحلیل نقش سبک فرزندپروری اسلامی در مصونیتِ نوجوانان از آسیب‌های شبکه‌های اجتماعی و گوشی‌های هوشمند» به این نتیجه رسیده است که فرزندانی که در یک خانواده عاطفی و در خانواده‌ای که بین اعضای آن تعامل منطقی، محبت‌آمیز و مبتنی بر معنویت خداسو وجود دارد، از سلامت روان و شخصیت بهنجار برخوردار می‌شوند. اگر نیازهای زیستی، روان‌شناختی و معنوی فرزندان به‌گونه‌ای مطلوب در محیط خانواده تأمین گردد، زمینه گرایش فرزندان به دوستی‌های خطرناک و پناه بردن به فناوری دیجیتال خطرآفرین کاهش می‌یابد. والدین بایستی نظارت غیرمستقیم بر فعالیت‌های فرزندان داشته باشند و سعی کنند آنان را در محیط اجتماعی سالم و مدارس آموزشی سالم، تربیت کنند. التزام والدین به هنجارهای اسلامی و ارزش‌های دینی و دعوت نوجوانان نیز به

این فضای اخلاقی و معنوی، از عناصر مهم در مصونیت‌بخشی از ناهنجارهای اجتماعی و اخلاقی است.

محمدیان (۱٤۰۳)، در پژوهشی با عنوان «اصول و روش تربیت جنسی کودکان و نوجوانان از منظر آیات و روایات» به این نتیجه رسیده است که تربیت جنسی کودکان و نوجوانان در عصر حاضر یکی از دغدغه‌های اصلی خانواده‌هاست. تربیت جنسی کودکان، آموزش مسائل جنسی در حد فهم و درک آنها است به‌گونه‌ای که باعث انحراف جنسی آنها نشود. امروزه متأسفانه در جامعه ما، منابع غیرصحیح برای پاسخ‌گوئی به نیازهای جنسی کودکان فراوان است به همین دلیل خانواده‌ها باید کودکان خود را به طریق صحیح تربیت نمایند تا به انحراف جنسی دچار نشوند. از نگاه علم و دین، کودک جز در حالت‌های غیرطبیعی و استثنایی، فعالیت و رفتار جنسی بالفعل ندارد. با این حال، اسلام برای پیشگیری از پیدایش رفتار نابهنگام جنسی در کودکان و نیز درمان این رفتار در آنان، پیش‌بینی‌هایی کرده است. تمهیدات اسلام برای تعدیل غریزه جنسی و رفتار درست جنسی، به هیچ‌روی با دیگر جنبه‌های رشد در کودک ناسازگار نیست و حتی عامل تسهیل رشد کودک نیز می‌باشد.

عباسی و رنگچی تهرانی (۱۳۹۸)، در پژوهشی با عنوان «پیشگیری از بزه‌دیدگی کودکان و نوجوانان در مواجهه با جرائم جنسی» به این نتیجه رسیده‌اند که برای کاهش نرخ بزه‌دیدگی و گاهی بزهکاری ایشان، ضروری است از روش‌هایی غیر از مجازات، یعنی راهکارهای پیشگیرانه غیرکیفری استفاده شود. پیشنهاد می‌شود از پیشگیری وضعی و اجتماعی در سه سطح اولیه، ثانویه و ثالث برای کاهش نرخ بزه‌دیدگی کودکان بهره‌برداری شود. با به‌کارگیری تدابیر پیشگیرانه مزبور از یک‌سو ضریب ایمنی بزه‌دیده افزایش یافته و وی نقش مؤثر و فعالی در کاهش آماج تحقق جرم ایفا می‌کند و از سوی دیگر این اقدامات موجب افزایش هزینه ارتکاب جرم می‌شود. همچنین با شناسایی عوامل خطر و علل ارتکاب جرم، نسبت به حذف یا خنثی کردن عوامل مؤثر در تکوین جرم نیز اقدام خواهد شد. از این رهگذر می‌توان با برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری مناسب، به اصلاح و حذف علل جرم‌زا از طریق بهبود وضعیت بهداشتی، زندگی خانوادگی، آموزش‌وپرورش، بهبود اوضاع مربوط به سکونت‌گاه، اوقات فراغت و مانند آنها دست‌یافت.

روش

روش این پژوهش کمی از نوع همبستگی است. با توجه به موضوع پژوهش که پیشگیری از بزه‌دیدگی جنسی کودکان و نوجوانان با تاکید بر شیوه‌های فرزندپروری در اسلام بوده، این روش برای انجام پژوهش انتخاب شده است. جامعه آماری پژوهش والدین کودکان بزه‌دیده

جنسی بوده که به دلیل نامشخص بودن جامعه آماری و محدودیت آنها با استفاده از فرمول حجم نمونه جامعه نامشخص و برآورد اولیه ۳۰ پرسشنامه ابتدایی، تعداد ۱٤٦ نفر از آنها در شهر تهران به‌عنوان نمونه آماری انتخاب شده‌اند. با توجه به تشابه جامعه آماری در ۳۰ پرسشنامه اولیه و شاخص کفایت حجم نمونه با استفاده از نرم‌افزار، برآورد این تعداد نمونه منطقی است. گردآوری داده‌ها در دو بخش اسناد و میدانی بوده است. در بخش اسنادی، متناسب با موضوع پژوهش، ادبیات مفهومی و نظری پژوهش در پایگاه‌های علمی معتبر داخلی و خارجی گردآوری شده است و در بخش میدانی بر پایه فرضیه‌های پژوهش اطلاعات مورد نیاز از طریق پرسشنامه محقق‌ساخته در چهار حوزه؛ پیشگیری از بزه‌دیدگی، خانواده، مدرسه و سبک فرزندپروری اسلامی گردآوری شده است. شاخص‌سازی متغیرهای پرسشنامه بر اساس پشتوانه نظری موجود در ادبیات نظری پژوهش بوده است. تجزیه‌وتحلیل داده‌های به کمک نرم افزار Amos Graphics انجام شده است. روایی صوری پرسشنامه مورد تأیید اساتید و پایایی آن از طریق ضریب آلفای کرونباخ بیش از ۰/۷ مورد تأیید قرار گرفت.

یافته‌های پژوهش

با توجه به پشتوانه نظری موجود اثر سه متغیر مستقل خانواده، مدرسه و سبک فرزندپروری اسلامی بر پیشگیری از بزه‌دیدگی کودکان و نوجوانان به‌عنوان متغیر وابسته مورد آزمون قرارگرفته است. یافته‌ها در دو بخش آزمون فرض و مدل‌سازی بوده است. آزمون فرضیات به‌صورت کلی در قالب یک مدل معادله ساختاری با نرم‌افزار Amos Graphics بوده است.

یافته‌های توصیفی پژوهش

اطلاعات مربوط به یافته‌های توصیفی در متغیرهای جمعیت‌شناختی نشان داده که طیف سنی ۳۵ تا ٤٥ سال دارای بیشترین توزیع فراوانی است که این مقدار ۲۹/۹ درصد از کل فراوانی پاسخگویان را شامل می‌شود و طیف‌های سنی ۲۵ تا ۳۵ سال پژوهش دارای کمترین توزیع فراوانی به مقدار ۳/٦ درصد هستند. اطلاعات مربوط به سطح تحصیلات پاسخگویان نشان می‌دهد که ۳٦/۷ درصد سطح تحصیلات پاسخگویان در حد لیسانس بوده که بیشترین فراوانی در این جدول داراست و پایین‌تر از آن مقطع ارشد و دکتری است که دارای فراوانی حدود ۱۲ درصد است. همچنین در مورد اشتغال نیز درصد بالایی از مشارکت‌کنندگان در مشاغل آزاد فعالیت دارند و حدود ۱۸ درصد از والدین شغل خود را بیکار عنوان کرده‌اند. در مورد درآمد نیز اطلاعات آماری پاسخگویان نشان می‌دهد که بیشترین درصد فراوانی پاسخگویان ۳۳/۷ درصد درآمد خود را ۱۲ میلیون تا ۱۸ میلیون تومان در ماه اعلام کرده‌اند. تفکیک جنسیتی پژوهش نیز با اختلاف بالایی به نفع مردان است و زنان فقط ۳۱/۲ درصد از کل نمونه به خود

اختصاص داده‌اند. همچنین در مورد توصیف متغیرهای اصلی پژوهش میانگین پیشگیری از بزه‌دیدگی، خانواده، مدرسه و سبک فرزندپروری اسلامی بالاتر از حد متوسط بوده‌اند.

یافته‌های استنباطی پژوهش

فرضیه اول

۱) بین میزان عملکرد فرزندپروری در اسلام با میزان پیشگیری از بزه‌دیدگی کودکان و نوجوانان رابطه وجود دارد.

از آنجایی که در این فرضیه یک متغیر مستقل و یک متغیر وابسته وجود دارد، برای سنجش آن از تحلیل رگرسیون خطی استفاده می‌شود. رگرسیون روش آماری است که برای تحلیل تأثیر جمعی و فردی یک یا چند متغیر مستقل بر روی تغییرات متغیر وابسته به‌کار می‌رود. نتایج این معادله رگرسیونی در جدول زیر ارائه شده است.

جدول ۱- تحلیل عملکرد فرزندپروری در اسلام و پیش‌بینی پیشگیری از بزه‌دیدگی کودکان و نوجوانان

مدل ۱	مقدار همبستگی بین متغیرها (R)	ضریب تعیین تعدیل‌شده (R2)	مقدار آماره F	سطح معناداری
	۰/۷۹	۰/۵۸	۷۶/۲۰	۰/۰۰۰

اطلاعات جدول ترکیبی فوق نشان می‌دهد که مقدار ضریب همبستگی بین متغیر مستقل و وابسته مثبت ۰/۷۹ است که نشان می‌دهد بین دو متغیر مستقل و وابسته تحقیق همبستگی قوی و مستقیمی وجود دارد؛ اما مقدار ضریب تعیین تعدیل‌شده برابر با ۰/۵۸ بوده و گویای این واقعیت آماری است که ۵۸ درصد از کل بزه‌دیدگی کودکان و نوجوانان وابسته به متغیر مستقل عملکرد فرزندپروری در اسلام است. همچنین با توجه به معنی‌داری آزمون F (۷۶/۲۰) در سطح معناداری کمتر از ۵ درصد می‌توان نتیجه گرفت که مدل رگرسیونی تحقیق مدل خوبی بوده و متغیر مستقل عملکرد فرزندپروری در اسلام قابلیت تبیین متغیر وابسته بزه‌دیدگی کودکان و نوجوانان را دارد و همچنین این نتایج حاصل از نمونه قابلیت تعمیم به جامعه آماری را دارد.

فرضیه دوم

۲) بین میزان عملکرد خانواده با میزان پیشگیری از بزه‌دیدگی کودکان و نوجوانان رابطه وجود دارد.

از آنجایی که در این فرضیه یک متغیر مستقل و یک متغیر وابسته وجود دارد، برای سنجش آن از تحلیل رگرسیون خطی استفاده می‌شود. نتایج این معادله رگرسیونی در جدول زیر ارائه شده است.

جدول ۲- تحلیل عملکرد خانواده و پیش‌بینی پیشگیری از بزه‌دیدگی کودکان و نوجوانان

مدل ۱	مقدار همبستگی بین متغیرها (R)	ضریب تعیین تعدیل شده (R2)	مقدار آماره F	سطح معناداری
	۰/۵۵	۰/۳٤	۱۰۵/۹۱	۰/۰۰۰

اطلاعات جدول ترکیبی فوق نشان می‌دهد که مقدار ضریب همبستگی بین متغیر مستقل و وابسته مثبت ۰/۵۵ است که نشان می‌دهد بین دو متغیر مستقل و وابسته تحقیق همبستگی قوی و مستقیمی وجود دارد؛ اما مقدار ضریب تعیین تعدیل‌شده برابر با ۰/۳٤ بوده و گویای این واقعیت آماری است که ۳٤ درصد از کل بزه‌دیدگی کودکان و نوجوانان وابسته به متغیر مستقل عملکرد خانواده است. همچنین با توجه به معنی‌داری آزمون F (۱۰۵/۹۱) در سطح معناداری کمتر از ۵ درصد می‌توان نتیجه گرفت که مدل رگرسیونی تحقیق مدل خوبی بوده و متغیر مستقل عملکرد خانواده قابلیت تبیین متغیر وابسته بزه‌دیدگی کودکان و نوجوانان را دارد و همچنین این نتایج حاصل از نمونه قابلیت تعمیم به جامعه آماری را دارد.

فرضیه سوم

۳) بین میزان عملکرد مدرسه با میزان پیشگیری از بزه‌دیدگی کودکان و نوجوانان رابطه وجود دارد.

از آنجایی که در این فرضیه یک متغیر مستقل و یک متغیر وابسته وجود دارد، برای سنجش آن از تحلیل رگرسیون خطی استفاده می‌شود. نتایج این معادله رگرسیونی در جدول زیر ارائه شده است.

جدول ۳- تحلیل عملکرد مدرسه و پیش‌بینی پیشگیری از بزه‌دیدگی کودکان و نوجوانان

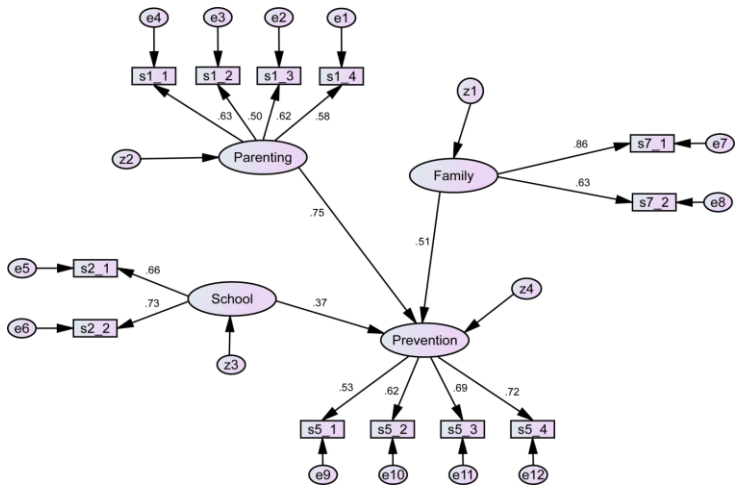
مدل ۱	مقدار همبستگی بین متغیرها (R)	ضریب تعیین تعدیل‌شده (R2)	مقدار آماره F	سطح معناداری
	۰/٤۰	۰/۱٦	٤٦/۰۵	۰/۰۰۵

اطلاعات جدول ترکیبی فوق نشان می‌دهد که مقدار ضریب همبستگی بین متغیر مستقل و وابسته مثبت ۰/٤۰ است که نشان می‌دهد بین دو متغیر مستقل و وابسته تحقیق همبستگی قوی

و مستقیمی وجود دارد، اما مقدار ضریب تعیین تعدیل‌شده برابر با ۰/۱۶ بوده و گویای این واقعیت آماری است که ۱۶ درصد از کل بزه‌دیدگی کودکان و نوجوانان وابسته به متغیر مستقل عملکرد مدرسه است. همچنین با توجه به معنی‌داری آزمون F (۴۶/۰۵) در سطح معناداری کمتر از ۵ درصد می‌توان نتیجه گرفت که مدل رگرسیونی تحقیق مدل خوبی بوده و متغیر مستقل عملکرد مدرسه قابلیت تبیین متغیر وابسته بزه‌دیدگی کودکان و نوجوانان را دارد و همچنین این نتایج حاصل از نمونه قابلیت تعمیم به جامعه آماری را دارد.

مدل کلی پژوهش

برای آزمون فرضیات پژوهش در قالب یک مدل، از روش مدل‌سازی معادله ساختاری استفاده شده است. در این مدل ۱۲ متغیر مشاهده‌شده وجود دارد که برخی از این متغیرها از تجمیع تعداد زیادی گویه حاصل شده‌اند. برای مثال از آنجایی که متغیرهای مستقل دارای چندین شاخص و بعد هستند، برای سهولت کار این گویه‌ها و شاخص‌ها با هم تجمیع شده و برای متغیر وابسته پیشگیری از بزه‌دیدگی چهار شاخص پیشگیرانه در حوزه علایق جنسی انحرافی، جهت‌گیری ضداجتماعی، محیط‌های نامطلوب خانوادگی و اختلالات روانی وجود دارند. در زمینه متغیرهای مستقل نیز متغیر خانواده در دو وضعیت داخل و خارج خانه و متغیر مدرسه نیز در شناسایی وضعیت‌ها و روابط ناسالم و نهایتاً متغیر فرزندپروری در اسلام با چهار شاخص روابط با همنوعان، رابطه با کودک، رابطه با خداوند و دانش فرزندپروری تعریف و شاخص سازی شده است. در شکل زیر خروجی نهایی مدل ارائه شده است.



شکل ۲- مدل معادله ساختاری پژوهش

مدل فوق یک مدل ساختاری برگرفته از ادبیات نظری پژوهش بوده که طبق آن اثرات

خانواده (Family)، مدرسه (School) و فرزندپروری در اسلام (Parenting) بر روی بر پیشگیری از بزه دیدگی کودکان و نوجوانان (Prevention) مورد آزمون و سنجش قرار گرفته است. در شاخص‌سازی همه متغیرهای اصلی ضرایب مثبت و بالایی به‌دست آمده است که گویای این واقعیت است که تمامی ابعاد متغیرهای موجود در مدل توان تبیین بالایی برای متغیر اصلی دارند. در زمینه روابط ساختاری در مدل هم باید عنوان کرد که سه رابطه سنجش تأثیرها را بر عهده دارند. در تحلیل اول که بر اساس ضرایب بالای مدل تبیین شده تأثیر سبک فرزندپروری در اسلام بر روی بر پیشگیری از بزه‌دیدگی کودکان و نوجوانان با ضریب ۰/۷۵ درصد مثبت و معنادار شده است. به‌عبارت دیگر از نظر والدین، والدین کودکان بزه‌دیده جنسی هرچقدر سبک فرزندپروری آنها به آموزهای دینی و متناسب با سبک فرزندپروری اسلامی باشد، میزان پیشگیری از بزه‌دیدگی نیز بالا خواهد بود. بعد از این رابطه اثر خانواده با ضریب ۰/۵۱ در جایگاه دوم قرار دارد و این به منزله اهمیت نهاد خانواده در پیشگیری از بزه‌دیدگی جنسی کودکان و نوجوانان است. همچنین تأثیرگذاری نهاد مدرسه با ضریب ۰/۳۷ نشان از اهمیت این نهاد در پیشگیری از بزه‌دیدگی جنسی کودکان و نوجوانان دارد. به‌طورکلی سه مقوله سبک فرزندپروی اسلامی، خانواده و مدرسه تأثیر مستقیمی بر پیشگیری از بزه‌دیدگی جنسی کودکان و نوجوانان دارند. این تأثیر نه‌تنها در ادبیات نظری و بر پایه آرای محققان زیادی، بلکه از نظر تجارب فردی والدینی که کودکان و نوجوانان درگیر بزه‌دیدگی جنسی دارند مورد تأیید بوده و به اثبات تجربی رسیده است. همچنین برای بررسی برازش مدل از شاخص‌های برازش استفاده شده است و با بررسی شاخص‌های برازش مدل مقتصد (شاخص خی-دو بهنجار (نسبی)، شاخص RMSEA، شاخص RMR و SRMR و شاخص PNFI)؛ شاخص‌های برازش مدل مطلق (شاخص GFI، شاخص AGFI)؛ شاخص‌های برازش تطبیقی (شاخص NFI، شاخص NNFI یا شاخص TLI شاخص CFI شاخص IFI) مشخص شد که مدل دارای برازندگی قابل قبولی برای آزمون است. در زمینه شاخص HOLLTER که کفایت حجم نمونه را برآورد می‌کند، عدد به‌دست آمده ۱۳۲ است درصورتی‌که داده‌های این مدل حاصل تحلیل ۱٤٦ نمونه مورد بررسی هستند.

بحث و نتیجه‌گیری

پیشگیری از بزه‌دیدگی جنسی کودکان و نوجوانان به راهبردهای چندگانه‌ای نیاز دارد که در آن نهادهای اجتماعی مانند مدارس و نهادهای آموزشی و مدارس، خانواده و نهادهای دینی و حتی سبک‌های فرزندپروری نقش داشته باشند. به‌عنوان یک رویکرد جامع و دور از جزم‌اندیشی باید گفت پیشگیری از بزه‌دیدگی جنسی چندبعدی است و فقط با یک متغیر یا یک وضعیت نمی‌توان آن را تبیین کرد. بر همین اساس در این پژوهش با مراجعه به اسناد

علمی معتبر در پایگاه‌های علمی داخل و خارج و مراجعه به متون دینی و اسلامی رویکردهای موجود و تأثیرگذار در پیشگیری از بزه‌دیدگی جنسی کودکان شناسایی و تحلیل شدند و نقش هر کدام و وزن آماری آنها در میزان پیشگیری به‌دست آمد. با توجه به نتایج اسنادی و میدانی سبک فرزندپروری اسلامی یک شاخص مهم و تأثیرگذار بر پیشگیری از بزه‌دیدگی است که باید در سیاست‌گذاری‌های آموزشی و پیشگیرانه جامعه بیش از هر متغیر دیگری به آن توجه شود؛ بنابراین این بحث به‌وضوح نشان می‌دهد که مهارت‌های فرزندپروری مبنی بر دین اسلام باید توسط والدین مورد توجه قرار گیرند تا آنها بر پایه این مهارت‌ها بتوانند فرزندان خوبی به جامعه عرضه کنند که ستون‌های سعادت و رفاه خانواده و جامعه باشند. در فقه و شریعت اسلامی نیز یک چارچوب اخلاقی و حقوقی والدین و جوامع را موظف به محافظت از کودکان در برابر آسیب‌های مختلف می‌کند که مستقیماً از بسیاری از اقدامات مبتنی بر قربانی شدن جنسی پشتیبانی می‌کند. در عین‌حال، برخی از رویه‌های فرهنگی در حوزه دین و شریعت مانند شرم و آبرو تابوهای پیرامون بحث در مورد رابطه جنسی می‌توانند میزان بزه‌دیدگی در کودکان را کاهش دهد. این موارد اغلب در متون اسلامی و استدلال‌های فقهی مورد تأکید قرار گرفته و در خانواده‌های مسلمان همواره آموزش‌های از این دست مهم‌ترین راهبرد پیشگیرانه از آسیب‌ها به‌حساب آمده‌اند. آنچه در یافته‌های اسنادی و میدانی این پژوهش نشان داد، این نکته مهم است که تربیت فرزندانی سالم به دور از هر گونه آسیب و انحراف نیازمند، مهارت‌هایی مانند ارتباط با خداوند، ارتباط عمیق با خانواده و همنوعان مسلمان و دانش فرزندپروری است. همچنین مهارت‌های فرزندپروری در رابطه با کودکان باید بر رشد کودکان در جنبه‌های معنوی، عاطفی، فکری، جسمی و اجتماعی تأکید کند. جنبه معنوی مستلزم تمرکز بر تعلیم عقیده، عبادت و اخلاق و نیز موعظه و ارشاد کودکان است. از نظر عاطفی، کودکان باید با استفاده از مهارت‌های روان‌شناختی، رشد هوش هیجانی و مهارت‌های مدیریت زمان توسط والدین هدایت شوند. همچنین مهارت‌های فرزندپروری در بعد جسمانی شامل مهارت‌های رشد جسمانی و تربیت جنسی می‌شود که نباید مورد اغفال قرار گیرد. علاوه بر آن، مهارت‌های فرزندپروری برای رشد ذهن کودکان ممکن است به مهارت‌های رشد فکری و مدیریت مالی نیاز داشته باشد و نهایتاً جنبه اجتماعی از طریق مهارت‌های آموزش اجتماعی، فن‌آوری و مهارت‌های رسانه‌های اجتماعی و همچنین مهارت‌های ارتباطی کودکان را در دنیایی پر از خطر توانمند می‌سازد. همچنین آموزه‌های اسلامی بر تعامل کودکان با همسالان به‌عنوان راهی برای تقویت یادگیری دینی تأکید دارند و منابع شامل قرآن، حدیث در مورد همراهی و راهنمایی اخلاقی و پژوهش‌های کلاسیک در مورد تربیت کودک همسو هستند. در

کل اصل ثابت این است که کودکان زمانی‌که در محاصره همسالان، خواهر و برادرهای بافضیلت و یک محیط آموزشی حمایتی باشند، بهتر یاد می‌گیرند.

پیشنهادها

۱. تقویت آگاهی‌های والدین و مربیان

آموزش والدین و مربیان در مورد شیوه‌های فرزندپروری اسلامی می‌تواند تأثیر زیادی در پیشگیری از بزه‌دیدگی جنسی کودکان و نوجوانان داشته باشد. این آموزش‌ها باید شامل آگاهی‌بخشی در خصوص حقوق کودکان، رفتارهای مناسب و غیرمناسب و روش‌های ایجاد ارتباط صحیح و مؤثر با فرزندان باشد.

۲. ایجاد محیط‌های حمایتی در جامعه

ایجاد نهادها و محیط‌های حمایتی نظیر مراکز مشاوره و مددکاری اجتماعی که با الهام از آموزه‌های اسلامی به خانواده‌ها و کودکان کمک می‌کنند، می‌تواند نقش مؤثری در پیشگیری از بزه‌دیدگی جنسی داشته باشد. این مراکز باید بتوانند به خانواده‌ها در تشخیص و رفع مشکلات کمک کرده و از بروز آسیب‌های جدی جلوگیری کنند.

۳. ترویج نظارت اجتماعی و تقویت روابط خانوادگی

نظارت خانواده‌ها بر رفتارهای اجتماعی فرزندان، ایجاد ارتباطات صمیمی و مشورت‌های منظم با آنها می‌تواند به پیشگیری از بزه‌دیدگی جنسی کمک کند. در آموزه‌های اسلامی، اهمیت مراقبت و حمایت از اعضای خانواده تأکید شده است که باید در زمینه پیشگیری از آسیب‌ها نیز مورد توجه قرار گیرد.

منابع

– پرچم، اعظم، فاتحی‌زاده، مریم، و الهیاری، حمیده. (۱۳۹۱). مقایسه سبک‌های فرزندپروری بامریند با سبک فرزندپروری در اسلام. *پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی*، ۱۴(۲۰)، ۱۱۵–۱۳۸.
https://www.sid.ir/paper/471252/fa

پناهی، علی احمد. (۱۴۰۳). تحلیل نقش سبک فرزندپروری اسلامی در مصونیت نوجوانان از آسیب‌های شبکه‌های اجتماعی و گوشی‌های هوشمند. *فصلنامه علمی تربیت اسلامی*، ۱۹(۵۰)، ۷۱–۸۶.
https://islamicedu.rihu.ac.ir/article_2256.html

– چاووشی، محمدصادق، و کرامتی معز، هادی. (۱۳۹۷). پیشگیری از بزه‌دیدگی اطفال در آموزه‌های قرآنی. *مطالعات قرآنی*، ۹(۳۵)، ۱۴۵–۱۶۴.
https://journals.iau.ir/article_662396.html

– عباسی، عاطفه، و رنگچی تهرانی، عطیه. (۱۳۹۹). پیشگیری از بزه‌دیدگی کودکان و نوجوانان در مواجهه با جرائم جنسی. *رهیافت پیشگیری از جرم*، ۲(۱)، ۷۷–۹۶.
http://journals1.jri.ac.ir/article_216932.html

– عبدالهی، سامان. (۱۴۰۰). سازوکارهای حمایتی و تعدیل‌کننده عوامل خطر گرایش اطفال و نوجوانان

به مصرف مواد مخدر و داروهای روان‌گردان. *پژوهش‌های جرم‌شناختی پلیس*، ۲(۵)، ۵۵-۸۰.
http://cr.jrl.police.ir/article_98439.html
- کریمی، ماشااله. (۱۳۹۵). *سبک تربیت و پیشگیری از بزهکاری از دیدگاه آموزه‌های اسلامی*. [رساله دکتری حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه قم].
- کوخایی، آزاد، و رودمقدس، رمضانعلی. (۱۳۹۵). بررسی سبک‌های فرزندپروری در منابع اسلامی. *بصیرت و تربیت اسلامی*، ۱۳(۳۶)، ۱۲۹-۱۵۰.
https://sid.ir/paper/249674/fa
- کوهستانی، ام‌البنین؛ رضوی‌دوست، غلامرضا، موسوی، سید محمدحسین، و زارعی، محمد. (۱٤۰۱). مهارت‌های ارتباطی انسان با همنوعان در سبک زندگی توحیدی از منظر امام حسن عسکری (علیه‌السلام). *فصلنامه قرآن و علوم اجتماعی*، ۲(٤)، ۹-۳٦.
https://arq.quran.ac.ir/article_175621.html
- محمدی جورکویه، علی. (۱۳۹٤). «پیشگیری اجتماعی از جرایم جنسی» در قرآن. دو فصلنامه علمی ـ پژوهشی قرآن، فقه و حقوق اسلامی، ۳(۳)، ۱۱۹-۱٤۸.
- محمدیان، الهه. (۱٤۰۳). اصول و روش تربیت جنسی کودکان و نوجوانان از منظر آیات و روایات. *مطالعات کودک و خانواده*. (در حال انتشار).
https://khanevadeh-pajoohi.whc.ir/article_584.html
- محسنی، فرید. (۱۳۹۰). سهم کودکان و نوجوانان از حمایت کیفری در فضای مجازی و حقیقی. *آموزه‌های حقوق کیفری*، ۸(۱)، ۱۳۷-۱۷۰.
https://cld.razavi.ac.ir/article_847.html
- نصیری، علی. (۱۳۸۵). *آشنایی با علوم حدیث*. انتشارات مرکز مدیریت حوزه علمیه قم.

- Abdullah, S. F. S., Ishak, A. H., & Abd Wahid, F. N. (2025). Children's Etiquette Towards Parents Based on Kitab Al-Adab Al-Mufrad By Al-Bukhari: Etika Anak Terhadap Ibu Bapa Berdasarkan Kitab Al-Adab Al-Mufrad Karya Al-Bukhari. *Sains Insani*, *10*(1), 51-61.
- Akin, M. (2012). Exploring theology and practice in islamic parenting. *Electronic Theses and Dissertations*. 2268, 1-84.
- Auda, J. (2008). *Maqasid al-Shariah as philosophy of Islamic law: a systems approach*. International Institute of Islamic Thought (IIIT).
- Brown, B. B., & Bakken, J. P. (2011). Parenting and peer relationships: Reinvigorating research on family–peer linkages in adolescence. *Journal of research on adolescence*, *21*(1), 153-165.
https://onlinelibrary.wiley.com/doi/abs/10.1111/j.1532-7795.2010.00720.x
- Georgiou, S. N. (2008). Parental style and child bullying and victimization experiences at school. *Social Psychology of Education*, *11*, 213-227.
https://link.springer.com/article/10.1007/s11218-007-9048-5
- Hamjah, S. H., Zur Raffar, I. N. A., Rahman, Z. A., & Rasit, R. M. (2020). Applying spiritual aspect of parenting skills to adolescents in the family. *Afkar: Jurnal Akidah & Pemikiran Islam*, *22*(2), 313-346.
https://mojc.um.edu.my/index.php/afkar/article/view/28044
- Jafari, A. (2023). Parental Responsibility in Moral Security of Children in Shi'a Teachings. *Journal of Ahl al-Bayt (as) Teachings*, *1*(2), 79-92.

- Lanjekar, P. D., Joshi, S. H., Lanjekar, P. D., & Wagh, V. (2022). The effect of parenting and the parent-Child relationship on a Child's cognitive development: a literature review. *Cureus*, *14*(10), 1-7.
https://assets.cureus.com/uploads/review_article/pdf/114808/20240724-319105-mp3ol3.pdf
- Madyawati, L., Nurjannah, N., & Mustafa, M. C. (2023). Integration between the Western and Islamic Parenting Models: Content Analysis in A Literature Review. *Jurnal Tarbiyatuna*, *14*(2), 192-214.
https://journal.unimma.ac.id/index.php/tarbiyatuna/article/view/10584
- Mahfud, C., Rohani, I., Nuryana, Z., Baihaqi, M., & Munawir, M. (2023). Islamic education for disabilities: new model for developing Islamic parenting in Integrated Blind Orphanage of Aisyiyah. *Indonesian Journal of Islam and Muslim Societies*, *13*(1), 115-142.
https://eprints.uad.ac.id/75934/1/25.%207295-23566-1-PB.pdf
- Manap, J., & Baba, S. (2016). Al-ghazali's parenting skills attributes model. *Jurnal Hadhari*, *8*(1), 113-131.
http://journalarticle.ukm.my/10423/1/14127-38823-1-SM.pdf
- Mansir, F. (2022). Parenting of children through an Islamic education approach. *EDUKASI: Jurnal Pendidikan Islam*, *10*(2), 259-271.
https://ejournal.staimta.ac.id/index.php/edukasi/article/view/309
- Masrufa, B., Kholishoh, B., & Madkan, M. (2023). Pelaksanaan Pendidikan Agama Islam Anak Dalam Keluarga Melalui Metode Islamic Parenting. *Ngaos: Jurnal Pendidikan Dan Pembelajaran*, *1*(1), 13-28.
https://ejournal.pdtii.org/index.php/ngaos/article/view/1
- Rohmah, A. P., Suyaman, P., & Mulyanti, A. S. (2023). Determination of Custody Rights (Hadhanah) for Children Who Are Not Yet Mumayiz to the Father. *rechtsnrmen jurnal of law*, *1*(2), 48-57.
- Rumaya, J., & Rozumah, B. (2004). *Pengantar pembangunan manusia: Perspektif ekologi*. Rumaya Juhari, Rozumah Baharudin.
- Sanders, M. R., Morawska, A., Haslam, D. M., Filus, A., & Fletcher, R. (2014). Parenting and Family Adjustment Scales (PAFAS): Validation of a brief parent-report measure for use in assessment of parenting skills and family relationships. *Child Psychiatry & Human Development*, *45*, 255-272.
https://link.springer.com/article/10.1007/S10578-013-0397-3
- Sanvictores, T., & Mendez, M. D. (2022). *Types of parenting styles and effects on children*. Publishing Treasure Island.
- Shek, D. T. (2002). Parenting characteristics and parent-adolescent conflict: A longitudinal study in the Chinese culture. *Journal of Family Issues*, 23(2), 189-208.
https://journals.sagepub.com/doi/abs/10.1177/0192513x02023002002
- Zur Raffar, I. N. A., Hamjah, S. H., Hasan, A. D., & Dahlan, N. N. N. (2021). Parenting skills according to the Islamic perspective towards family well-being. *Samarah: Jurnal Hukum Keluarga dan Hukum Islam*, 5(2), 552-578.
https://jurnal.ar-raniry.ac.id/index.php/samarah/article/view/9576